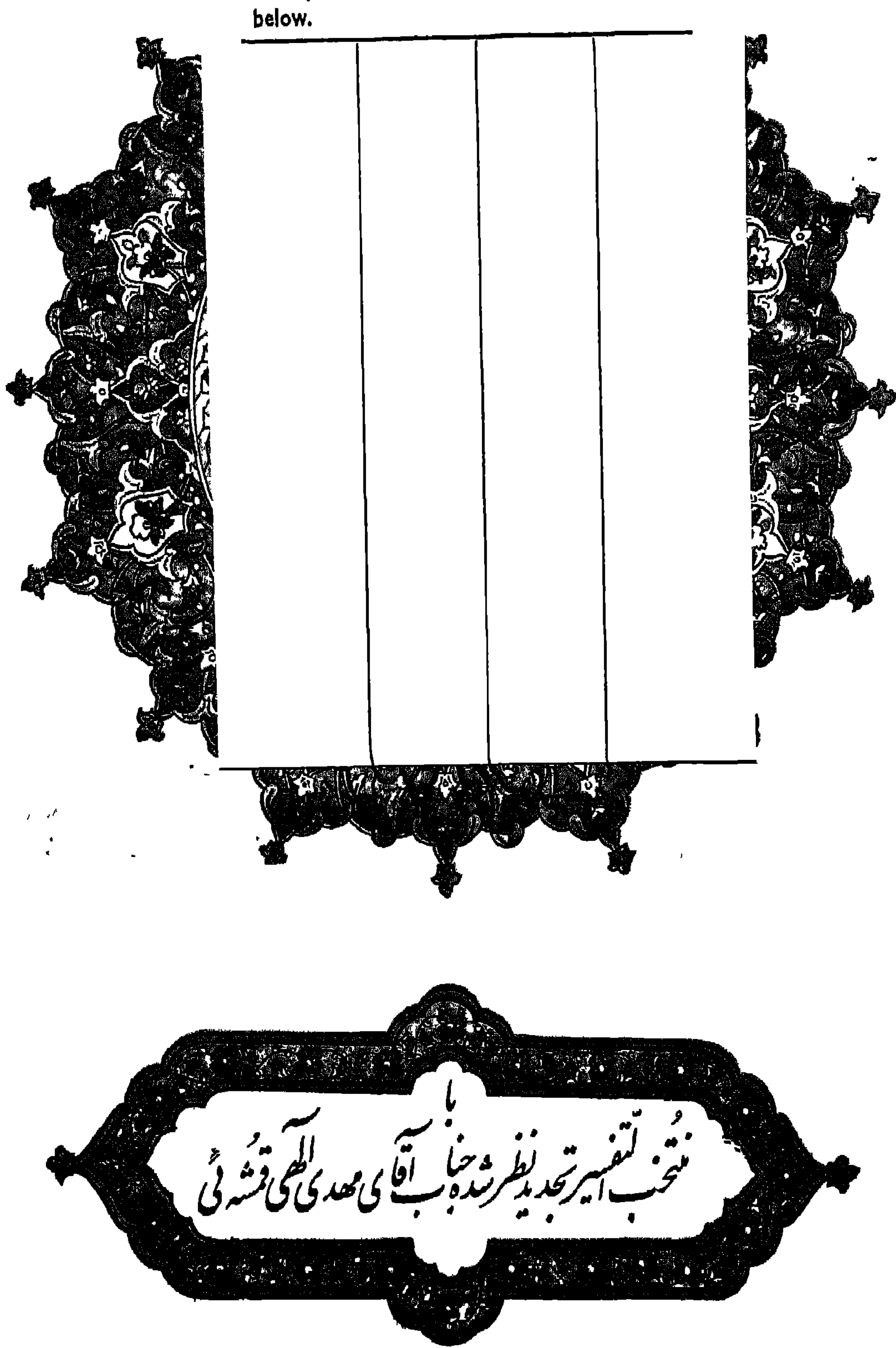

منتخب التفسیر تجدید نظر شده با جناب آقای مهدی الهی قمشه‌ئی

از مکافاتِ عملِ خود بترسند (و با یتیمانِ مردم نیکرفتار باشند) کسانی که میترسند کودکانِ ناتوانی از آنها
باقی‌ماند و زیردست مردم شوند پس باید از خدا بترسند و سخن با صلاح و درستی گویند و راه عدالت پویند (۹)
آنانکه اموالِ یتیمان را به ستمگری میخورند در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو میبرند و بزودی بدوزخ در آتش فروزان
خواهند افتاد (۱۰) حکم خدا در حقّ فرزندان شما اینست که پسران دو برابر دختران ارث ببرند
پس اگر دختران بیش از دو نفر باشند فرض همه دو ثلث ترکه است و اگر یکنفر باشد نصف و فرض هر یک از
پدر و مادر یک ششم ترکه است در صورتیکه میت را فرزند باشد و اگر فرزند نباشد و وارث منحصر به پدر
و مادر باشد در اینصورت مادر یک ثلث میبرد (و باقی به پدر رسد) و اگر میت را برادر باشد
در این فرض مادر یک ششم خواهد برد پس از آنکه حقّ وصیّت و دین که بمال میت تعلق گرفته استثنا
شود. شما زیرا که پدران یا فرزندان و خویشان کدامیک به خیر و صلاح و بارث بردن بشما
نزدیکترند نمیدانید (تا در حکم ارث مراعات کنید) (این احکام) فریضه‌ئی است
که خدا باید معیّن فرماید زیرا خداوند بهر چیز دانا و بهمهٔ مصالح خلق آگاه است (۱۱) سهم ارث
شما مردان از ترکهٔ زنان نصف است در صورتیکه آنها را فرزند نباشد و اگر فرزند باشد
ربع خواهد بود پس از خارج کردن حقّ وصیّت و دینی که بدارائی آنها تعلق گرفته و سهم
ارثِ زنان ربع ترکهٔ شما مردان است. اگر دارای فرزند نباشید و چنانکه فرزند داشته باشید
یک هشتم خواهد بود. پس از اداء حقّ وصیّت و دین و اگر

مردی بمیرد که وارثش کلاله او باشند (برادر و خواهر امّی یا هر خواهر و برادری) یا زنی بمیرد که وارثش
یک برادر و یا خواهر او باشد در این فرض سهم ارث یکنفر از آنها یک ششم خواهد بود و اگر بیش از یکنفر
باشند همهٔ آنها ثلث ترکه را باشتراک ارث برند بعد از خارج کردن دین و حق وصیّت میّت،
در صورتیکه وصیّت بحال ورثه زیان آور نباشد (یعنی زائد بر ثلث نباشد) این حکمی است که خدا
سفارش فرموده و خدا بهمه احوال بندگان دانا و بهر چه کنند بردبار است (۱۲) آنچه مذکور شد
احکام و اوامر خدا است و هر کس پیرو امر خدا و رسول او است ورا به بهشتهائی در آورند که
زیر درختانش نهرها جاری است و آنجا منزل ابدی مطیعان خواهد بود و این است سعادت
و فیروزی عظیم (۱۳) و هر که نافرمانی خدا و رسول کند و تجاوز از حدود احکام الهی نماید او را
بآتشی در افکند که همیشه در آن معذّب خواهد بود و همواره در عذاب خواری و ذلّت است (۱۴) زنانی که
عمل ناشایسته کنند چهار شاهد مسلمان بر آنها بخواهید چنانکه شهادت دادند در اینصورت آنان را در خانه نگهدارید
تا زمان عمرشان بپایان رسد یا خدا برای آنها راهی پدیدار گرداند (توبه یا حدّ مقرّر شود) (۱۵) و هر کس از مسلمانان
عمل ناشایسته مرتکب شوند چه زن و چه مرد آنان را بسرزنش و توبیخ بیازارید چنانکه توبه کردند دیگر متعرّض آنها نشوید که خدا
توبه خلق می پذیرد و نسبت بآنها مهربان است (۱۶) محقّقاً خدا توبه آنها را می پذیرد که عمل ناشایسته را از روی نادانی مرتکب شوند
و پس از آنکه زشتی آن عمل دانستند بزودی توبه کنند پس خدا آنها را میبخشد، و خدا دانا بمصالح خلق آگاه است
(۱۷) کسی که باعمال زشت تمام عمر اشتغال ورزد تا آنگاه که مشاهده مرگ کند در آن ساعت پشیمان شود و گوید اکنون توبه کردم

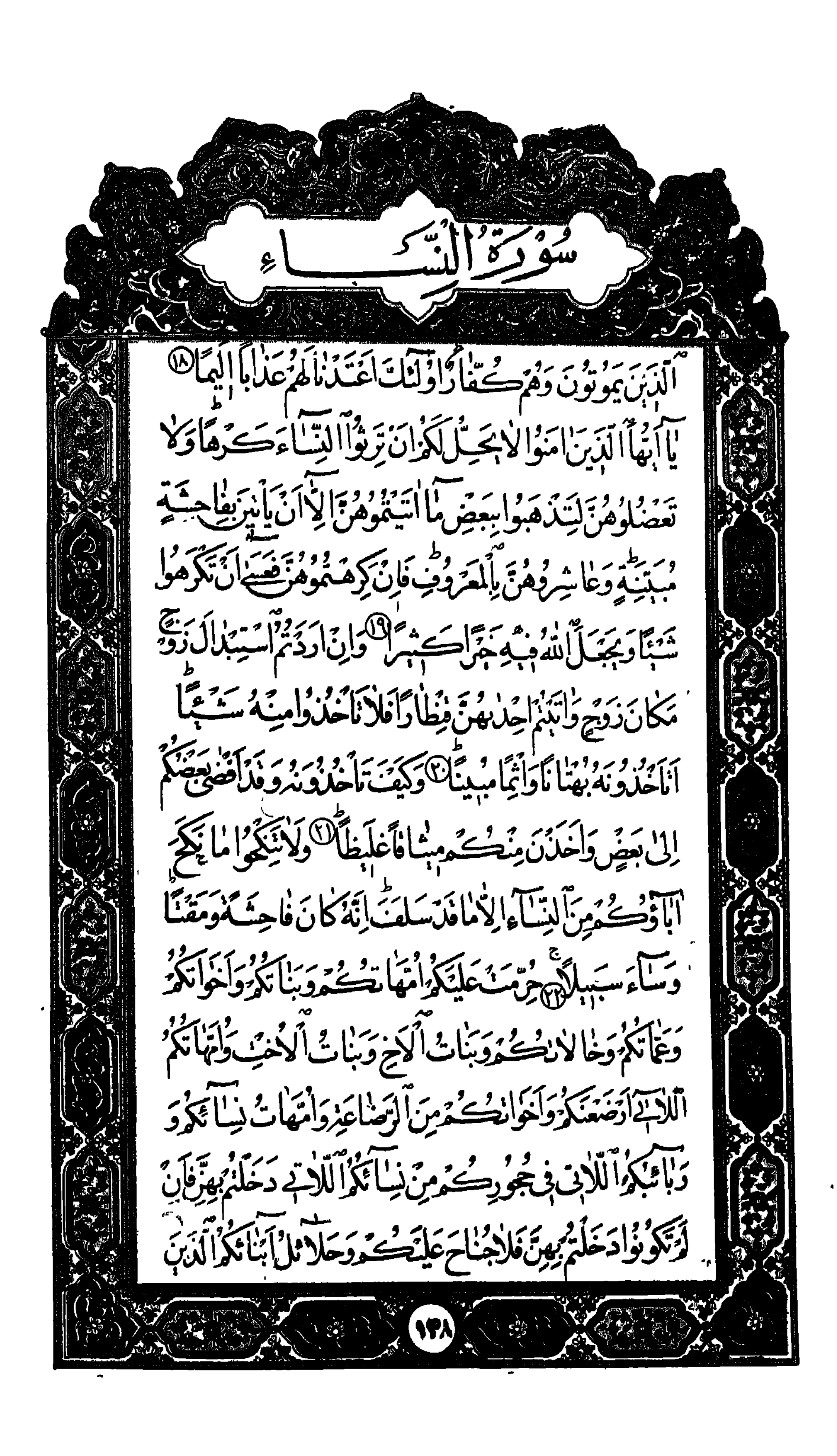


سُورَةُ النِّسَاءِ

رَجُلٌ يُورَثُ كَلَٰلَةً أَوِ ٱمْرَأَةٌ وَلَهُۥٓ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَٰحِدٍ مِّنْهُمَا
ٱلسُّدُسُ ۚ فَإِن كَانُوٓا۟ أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَآءُ فِى ٱلثُّلُثِ مِنۢ
بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَآ أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَآرٍّ ۚ وَصِيَّةً مِّنَ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ
عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٢﴾ تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ ۚ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدْخِلْهُ
جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿١٣﴾
وَمَن يَعْصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُۥ يُدْخِلْهُ نَارًا خَٰلِدًا فِيهَا
وَلَهُۥ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٤﴾ وَٱلَّٰتِى يَأْتِينَ ٱلْفَٰحِشَةَ مِن نِّسَآئِكُمْ
فَٱسْتَشْهِدُوا۟ عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنكُمْ ۖ فَإِن شَهِدُوا۟ فَأَمْسِكُوهُنَّ
فِى ٱلْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّىٰهُنَّ ٱلْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ ٱللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ﴿١٥﴾ وَ
ٱللَّذَانِ يَأْتِيَٰنِهَا مِنكُمْ فَـَٔاذُوهُمَا ۖ فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا۟ عَنْهُمَآ ۗ
إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿١٦﴾ إِنَّمَا ٱلتَّوْبَةُ عَلَى ٱللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ
ٱلسُّوٓءَ بِجَهَٰلَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ ۗ
وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧﴾ وَلَيْسَتِ ٱلتَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ
ٱلسَّيِّـَٔاتِ حَتَّىٰٓ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ ٱلْمَوْتُ قَالَ إِنِّى تُبْتُ ٱلْـَٰٔنَ وَلَا

توبه چنین کس پذیرفته نخواهد شد چنانکه هرکس بحال کفر بمیرد نیز توبه اش قبول نشود براین گروه عذابی
دردناک مهیا ساختیم (۱۸) ای اهل ایمان برای شما حلال نیست که زنان را باکراه و جبر بمیراث گیرید
(چنانکه در جاهلیت هرکس میمرد وراثش زن او را هم حق ارث خود میدانستند) و بر زنها سختگیری
و بهانه جوئی مکنید که قسمتی از آنچه مهر آنها کرده اید بجور بگیرید مگر آنکه عمل زشتی و مخالفتی از آنها ظاهر
شود و با آنها در زندگانی با انصاف و خوشرفتار باشید و چنانکه دلپسند شما نباشند (اظهار کراهت
مکنید که) بسا چیزها ناپسند شما است و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار برای شما مقدر فرموده
(۱۹) اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر بجای او اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده اید البته نباید چیزی
از مهر او باز گیرید آیا بوسیلهٔ تهمت زدن بزن مهر او را میگیرید و این گناهی فاحش و زشتی اینکار آشکار است
(۲۰) و چگونه مهر آنها را خواهید گرفت در صورتیکه هرکسی بحق خود رسیده (مرد بلذت و آسایش و
زن به مهر و نفقهٔ خود) و در صورتیکه آن زنان مهر را در مقابل عقد زوجیت و عهد محکم حق از شما گرفته اند
(۲۱) زن پدر را نباید بنکاح در آورید بعد از نزول این حکم الا آنچه از این پیش (در زمان جاهلیت)
کرده اید که خدا از آن درگذشت زیرا این کاری است زشت و مبغوض خدا و عملی بس ناپسند است
(۲۲) حرام شد برای شما ازدواج با مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و مادران رضاعی
و خواهران رضاعی و مادر زن و دختران زن که در دامن شما تربیت شده اند اگر با زن مباشرت کرده باشید و اگر دخول با زن
نکرده طلاق دهید باکی نیست که با دختر او ازدواج کنید و نیز حرام شد زن فرزندان صلبی (نه زن پسر خوانده شما)

4098

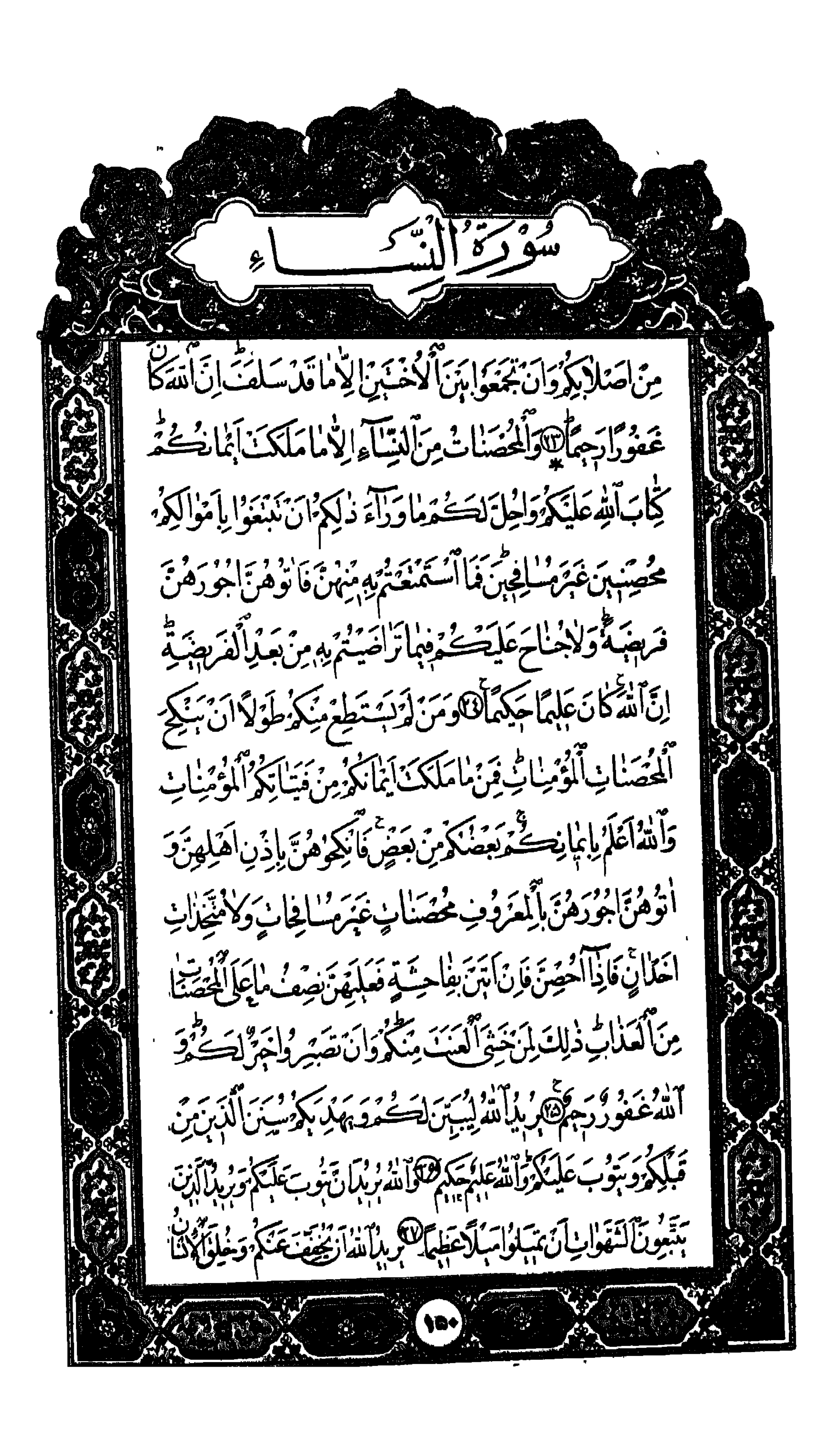


سورة النساء

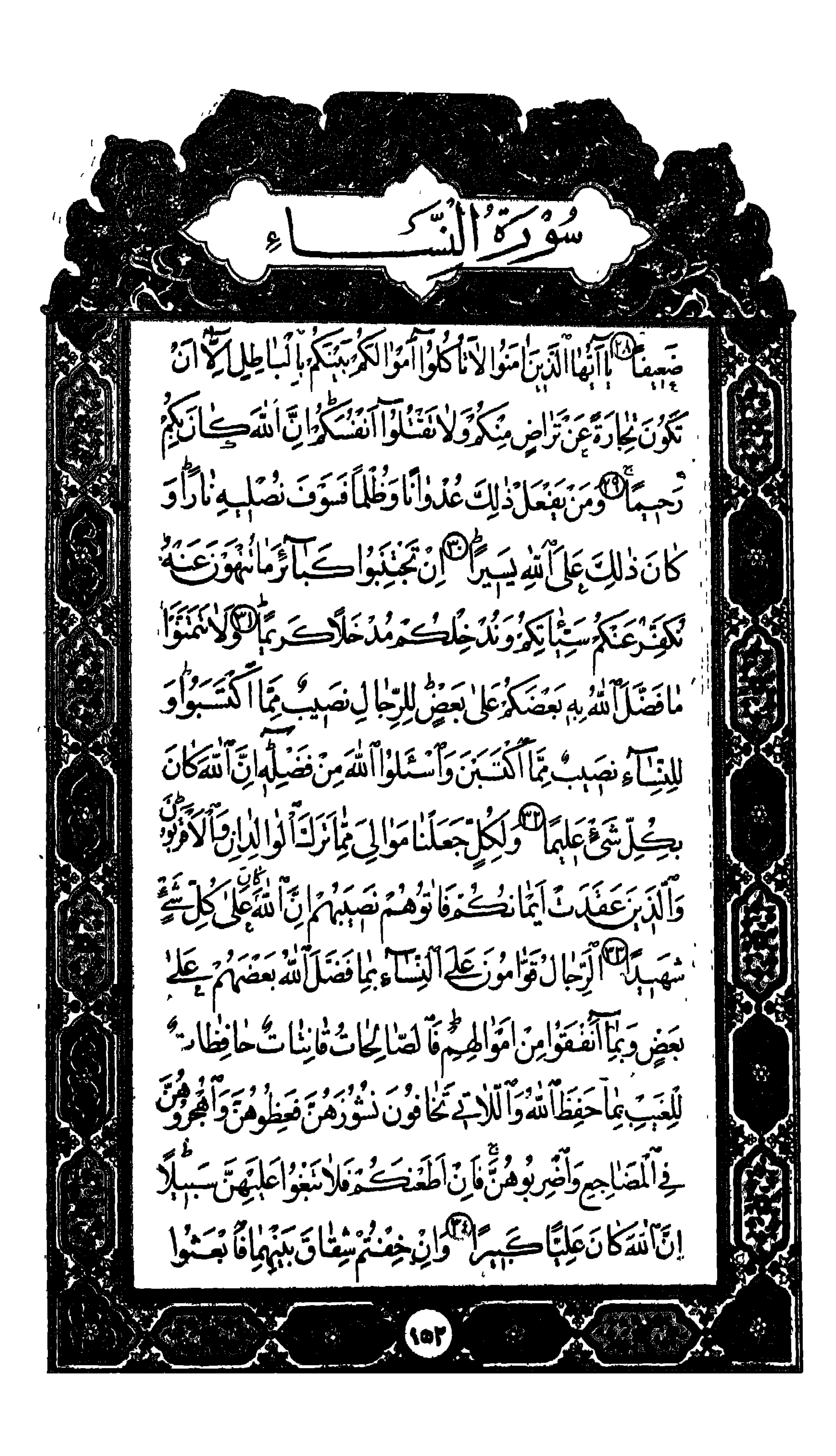
الذين يموتون وهم كفار أولئك أعتدنا لهم عذابا أليما ﴿١٨﴾
يا أيها الذين آمنوا لا يحل لكم أن ترثوا النساء كرها ولا
تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتيتموهن إلا أن يأتين بفاحشة
مبينة وعاشروهن بالمعروف فإن كرهتموهن فعسى أن تكرهوا
شيئا ويجعل الله فيه خيرا كثيرا ﴿١٩﴾ وإن أردتم استبدال زوج
مكان زوج وآتيتم إحداهن قنطارا فلا تأخذوا منه شيئا
أتأخذونه بهتانا وإثما مبينا ﴿٢٠﴾ وكيف تأخذونه وقد أفضى بعضكم
إلى بعض وأخذن منكم ميثاقا غليظا ﴿٢١﴾ ولا تنكحوا ما نكح
آباؤكم من النساء إلا ما قد سلف إنه كان فاحشة ومقتا
وساء سبيلا ﴿٢٢﴾ حرمت عليكم أمهاتكم وبناتكم وأخواتكم
وعماتكم وخالاتكم وبنات الأخ وبنات الأخت وأمهاتكم
اللاتي أرضعنكم وأخواتكم من الرضاعة وأمهات نسائكم و
ربائبكم اللاتي في حجوركم من نسائكم اللاتي دخلتم بهن فإن
لم تكونوا دخلتم بهن فلا جناح عليكم وحلائل أبنائكم الذين



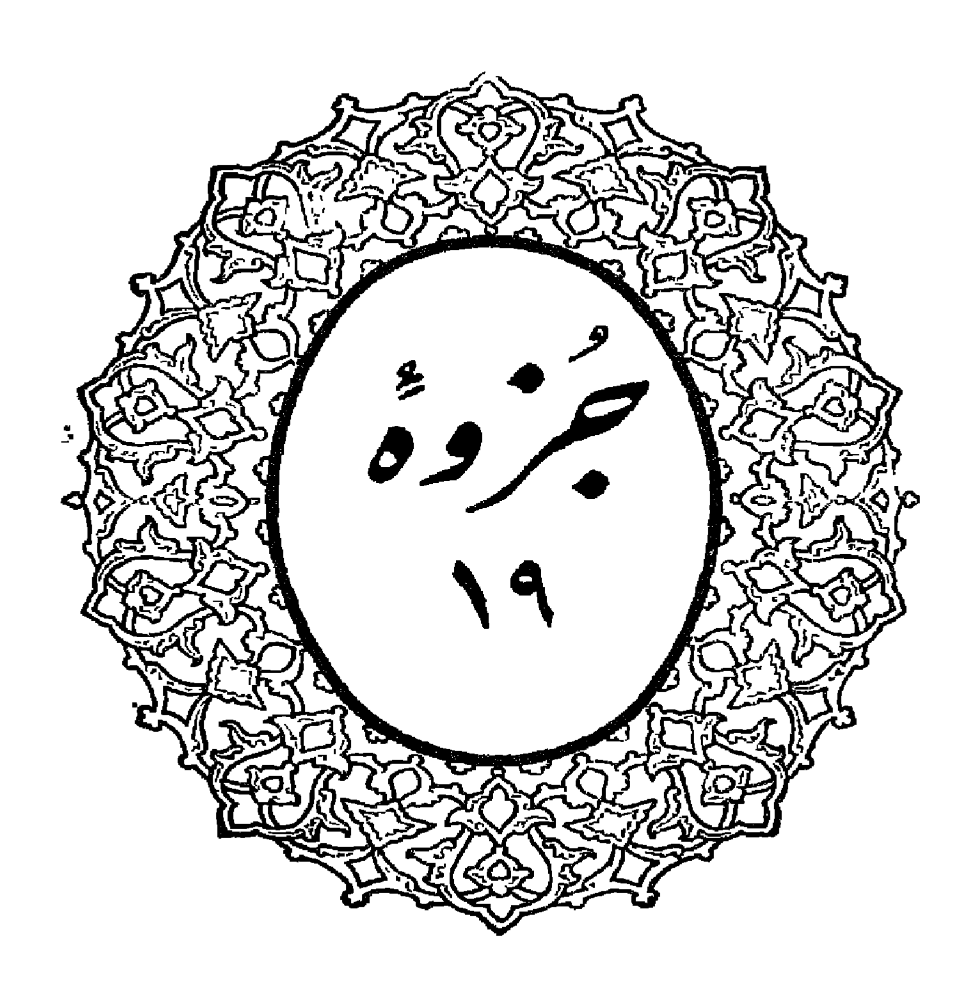
و نیز حرام شد جمع میان دو خواهر (یعنی که در یک وقت هر دو را بزنی گیرید) مگر آنچه پیش از نزول این حکم
(در عصر جاهلیت) کرده اید که خدا از آن درگذشت زیرا خداوند در حقِ بندگان بخشنده و مهربان است ۲۳
و نکاحِ زنانِ محصنه (شوهردار) نیز برای شما حرام شد مگر آن زنان که (در جنگهای با کفار بحکم خدا) متصرف و مالک
شده اید بر شما است که پیرو کتابِ خدا باشید (با زنهائی که به حرمت یاد شد نکاح مکنید) و هر زنی غیر از آنکه ذکر شد
حلال است که بمال خود بطریق زناشوئی بگیرید نه آنکه زنا کنید. پس چنانکه شما از آنها بهره مند شوید آن مهر معین که مزد
آنها است به آنها بپردازید و باکی نیست بر شما که بعد از تعیین مهر هم بچیزی باهم تراضی کنید (و بدانید که) البته خدا
دانا بحقائق امور عالم آگاه است ۲۴ و هر که را وسعت و توانائیِ آن نباشد که زنانِ پارسایِ با ایمان (و آزاد)
گیرد پس کنیزان مؤمنه که مالک شدند بزنی اختیار کند. خدا آگاه تر است بمراتب ایمان شما که شما اهل ایمان همه (از زن
و مرد) بعضی از جنس بعضی دیگر (همه مؤمن) و در رتبه یکسانید، پس با کنیزان مؤمنه باذنِ مالکش (بی هیچ کبر و نخوت) ازدواج
کنید و مهرِ آنها به آنچه معین شده بدهید. کنیزکانی که عفیف باشند نه زناکار و نه رفیق و دوست دار، پس چون شوهر کردند
چنانکه عمل زشتی از آنها سر زند بر آنها نصفِ عذاب زنانِ پارسای آزاد است. این حکم (کنیز را بزنی گرفتن)
درباره کسی است که بترسد که مبادا برنج افتد (یعنی برنجِ عزوبت یا گناه زناکاری افتد) و اگر صبر کنید (تا
وسعت یافته و زنی آزاد بگیرید) برای (نظم خانه و تربیت فرزند) شما بهتر است و خدا بخشنده و مهربان است
۲۵ خدا میخواهد راه سعادت را برای شما بیان کند و شما را بآداب (و باخلاق ستوده) آنانکه پیش از شما بودند (یعنی پیغمبران
و نیکانِ امم سابقه) رهبر گردد و بر شما از لطف و کرم ببخشاید و خدا دانا بحقایق امور آگاه است ۲۶ و خدا میخواهد بر شما بار رحمت گرداند
و مغفرت فرماید و مردم هوسناک پیرو شهوات میخواهند که شما مسلمین از راه حق و از رحمت الهی بسیار دور و منحرف گردید ۲۷ خدا میخواهد کار بر شما آسان گیرد که انسان



من اصلابكم وان تجمعوا بين الاختين الا ما قد سلف ان الله كان
غفورا رحيما ﴿٢٣﴾ والمحصنات من النساء الا ما ملكت ايمانكم
كتاب الله عليكم واحل لكم ما وراء ذلكم ان تبتغوا باموالكم
محصنين غير مسافحين فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن
فريضة ولا جناح عليكم فيما تراضيتم به من بعد الفريضة
ان الله كان عليما حكيما ﴿٢٤﴾ ومن لم يستطع منكم طولا ان ينكح
المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت ايمانكم من فتياتكم المؤمنات
والله اعلم بايمانكم بعضكم من بعض فانكحوهن باذن اهلهن و
اتوهن اجورهن بالمعروف محصنات غير مسافحات ولا متخذات
اخدان فاذا احصن فان اتين بفاحشة فعليهن نصف ما على المحصنات
من العذاب ذلك لمن خشي العنت منكم وان تصبروا خير لكم و
الله غفور رحيم ﴿٢٥﴾ يريد الله ليبين لكم ويهديكم سنن الذين من
قبلكم ويتوب عليكم والله عليم حكيم ﴿٢٦﴾ والله يريد ان يتوب عليكم ويريد الذين
يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلا عظيما ﴿٢٧﴾ يريد الله ان يخفف عنكم وخلق الانسان



ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ
تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ
رَحِيمًا ﴿٢٩﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَ
كَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾ إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ
نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ وَلَا تَتَمَنَّوْا
مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَ
لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٣٢﴾ وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ
وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
شَهِيدًا ﴿٣٣﴾ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ
بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ
لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ
فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا ﴿٣٤﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا



اداره نشریه اخگر

تهران - خیابان ری دو راه مهندس وسیلهٔ تلفن شماره ۵۲۳۸۸

همه هفته روز های چهارشنبه منتشر میشود